بیانات در دیدار دست‌اندرکاران همایش ملی حکیم طهران (مرحوم آقاعلی مدرس زنوزی) - 5 /اردیبهشت/ 1397

بسم الله الرّحمن الرّحیم (۱)
و الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علیٰ سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین سیّما بقیّةالله فی الارضین.

خیلی خوش آمدید آقایان محترم و بزرگان و فضلای عزیز بخش علوم عقلی، و خیلی ممنون و متشکریم از جناب آقای فیّاضی که واقعاً ایشان وجود بابرکتی هستند و توانستند در قم این مجموعه (۲) را تشکیل بدهند و راه بیندازند که با این تفاصیلی که آقایان فرمودند خیلی باارزش است. خوشبختانه در دوران جمهوری اسلامی علوم عقلی رونق گرفته. خب، در قبل از انقلاب در قم خبری نبود ؛ زمانی که ما بودیم، مثلاً فرض کنید یک درس آقای طباطبائی (۳) با یک عدّه‌ی معدود مثلاً چهل پنجاه نفره بود ؛ امّا حالا مثلاً جناب آقای جوادی (۴) که سالها [است] در این زمینه [فعّالند]، جناب آقای مصباح، (۵) جناب آقای سبحانی (۶) و تشکیلاتشان در زمینه‌ی مسائل کلامی، و درسهای متعدّد فلسفه‌ای که شنیدم در قم هست، اینها زمینه‌ی ترویج و اعتلای علوم عقلی را به انسان مژده میدهد که چنین زمینه‌ای به وجود آمده.

همین کاری که آقای فیّاضی و آقایان فرمودند که حرف جدیدی یا تقریر جدیدی یا برهان جدیدی برای یک مطلبِ اثبات‌شده -مثلاً- یا ردّ جدیدی برای یک حرف غلط مطرح میشود و بحث میشود، این خیلی باارزش است، خیلی خوب است ؛ اینها پیش‌بَرنده‌ی علوم عقلی است. از جمله‌ی خصوصیّات مرحوم آقا علی مدرّس این است که ایشان نقّاد مُلاصدرا است یعنی به همین اندازه، ایشان فلسفه را پیش برده یعنی حرفهایی دارد در نقد مُلاصدرا ؛ این کار بایستی انجام بگیرد ؛ اشاره به نقدِ مُلاصدرا نمیخواهم بکنم، [بلکه] میخواهم عرض بکنم بحثِ نقّادی و بحث حرفِ نو به میان آوردن و به‌اصطلاح نوآوری در علوم عقلی، یک مسئله‌ی بسیار مهمّی است. گاهی هست که یک مکتبی یا یک فکری، چند تفسیر دارد ؛ کمااینکه الان در این کار، غربی‌ها [فعّالند] -چون غربی‌ها در زمینه‌ی تبلیغات و روابط عمومی واقعاً با ما قابل مقایسه نیستند، خیلی قوی‌تر و پیشرفته‌تر از ما هستند در این زمینه ؛ شما فرض کنید راجع به هگل، (۷) مِن‌بابِ‌مثال، تفاسیر متعدّد از حرفهای او و از کتابها و متونی که او نوشته می‌بینید- یعنی برداشتهای گوناگون را بیان میکنند ؛ خودِ این کمک میکند به پیشرفت فکر و منطق و عقلانیّت در حوزه‌ی علوم عقلی. بنابراین [این کار] بسیار کار خوبی است و من امیدوارم که ان‌شاءالله این مجموعه‌ای را که جناب آقای فیّاضی سرپرستی میکنند و جناب آقای جوادی، جناب آقای مصباح و جناب آقای سبحانی هم -آن‌طور که فرمودند (۸)- نظارت میکنند یا هدایت میکنند، این را هرچه قوی‌تر پیش ببرند ؛ این بسیار کار مهم و لازمی است که [باید] انجام بگیرد.

در مورد بزرگداشتها ؛ این کار، کار مهمّی است. ما به بزرگداشت کسی مثل آقا علی مدرّس نباید به این چشم نگاه کنیم که حالا یک آدم بزرگی را داریم معرّفی میکنیم ؛ نه، این معرّفیِ یک جریان فکری است، مطرح کردن یک اندیشه و یک اندیشه‌ورز بزرگ است. آقایان [عنوان کنگره را] نوشتید مدرّسِ تهران، حکیم تهران ؛ خب بله، ایشان در تهران بوده‌اند و حکیم تهران هم هستند، منتها حکیم تهران، فقط مرحوم آقا علی مدرّس نیست. من الان همین‌طور که آقایان صحبت میکردید، چند اسم راجع به همین حکمایی که در صدسال اخیر در تهران بوده‌اند [به ذهنم آمد] ؛ از میرزا ابوالحسن جلوه، تا آقا محمّدرضای قمشه‌ای که در [زمینه‌ی] عرفان است، تا مرحوم هیدَجی، (۹) تا مرحوم میرزا عبدالله زنوزی. میرزا عبدالله زنوزی پدر ایشان است و آقا علی شاگرد پدرش است ؛ هر دو شاگرد مُلاعلی نوری اصفهانند. مرحوم مُلاعلی نوری هم یکی از آن بزرگان این -به‌اصطلاح- مِضمار (۱۰) و این میدان است ؛ یعنی اینها کسانی هستند که فلسفه‌ی مُلاصدرا را احیاء کردند. فلسفه‌ی مُلاصدرا بعد از یک برهه‌ای از زمان، مورد تهاجم شدید

قرار گرفت و افول کرد ؛ بعد یک کسانی در اصفهان پیدا شدند [و آن را احیاء کردند] که همه‌ی آنها هم در اصفهانند ؛ البتّه غالباً هم اصفهانی نیستند ؛ مثل ایشان که اصفهانی نیست، مثل خیلی از آقایان و بزرگانی که اسمشان آورده میشود ؛ اینها اصفهانی هم نیستند لکن مرکز، اصفهان بوده ؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که اصفهان مرکز علوم عقلی بوده. بعد این پدر و پسر -مرحوم میرزا عبدالله زنوزی و مرحوم آقا علی حکیم- منتقل میشوند به تهران و آن‌وقت، تهران مرکز علوم عقلی میشود. به‌هرحال اینها خیلی شخصیّت‌های بزرگی‌اند ؛ تا این اواخر که میرسد به مثلاً مرحوم آمیرزا مهدی آشتیانی، آمیرزا احمد آشتیانی، مرحوم شاه‌آبادی. (۱۱) آمیرزا مهدی خیلی معروف است لکن آمیرزا احمد آشتیانی به‌عنوان یک حکیم، معروف نیست ؛ درحالی‌که ایشان فلسفه‌دان بزرگ و واقعاً حکیم بوده ؛ [همین‌طور] مرحوم آشیخ محمّدتقی آملی که ایشان خب شرح منظومه دارد -ملاحظه کرده‌اید- یعنی حکیم بوده ؛ [البتّه] فقیه است، فقیه بزرگی است، در حدّ مرجع تقلید است امّا حکیم است یعنی دارای [تخصّص] علوم عقلی است. به نظر من اینها را یکی‌یکی باید از کُنج انزوا و آن خلوت گمنامی‌شان بیرون کشید و اینها را مطرح کرد ؛ اینها حرف دارند، مطلب دارند.

خب، حالا شما کتاب بدایع الحِکم مرحوم آقا علی حکیم را مثلاً در اینجا چاپ کردید ؛ خب باید کسی بنشیند این کتاب مفصّل را بخواند تا بفهمد که آقا علی چه میگوید ؛ چند نفر آماده هستند که بخوانند این کتاب را؟ چند نفر دارید که توانایی این کار را داشته باشند؟ این احتیاج دارد به همان [کاری] که درباره‌ی مرحوم مّلاصدرا من گفتم (۱۲) -و یک کار کوچکی هم البتّه شده ؛ بد نیست- که یک جمعی یا یک هیئتی بنشینند و لبّ فلسفه‌ی آقا علی حکیم را دربیاورند و اصلاً بگویند ایشان چه میگوید، حرفش چیست، مطلب موردنظرش چیست. یک‌وقتی حضرت آقای جوادی (۱۳) یک کتابی را از آقا علی -به نظرم یک کتاب یا رساله‌ای از رساله‌های ایشان بود- آوردند به من نشان دادند که «ایشان اینجا در جواب این مطلب، این را گفته» ؛ الان آن حرف یادم نیست امّا میدانم که حرف مهمّی بود. خب اینها استخراج بشود، بیرون بیاید از ضمن کتابهای ایشان یا رسائل ایشان. ایشان یک رساله در «وجود رابطی» ظاهراً دارد ؛ رساله‌های متعدّدی آقا علی حکیم دارد ؛ بنشینند اینها را تدوین کنند تا ناگهان تهران -که شما میگویید مرکز حکمت در یک دوره‌ای بوده- احساس کند که ایشان یک فکر فلسفی عمیق قوی‌ای را در مثلاً فرض کنید صد و چند سال پیش که ایشان از دنیا رفته -ظاهراً حدود ۱۳۰۷ ایشان از دنیا رفت- یک‌چنین فکری را در تهران مطرح کرده ؛ یعنی خلاصه‌گیری بشود و تبیین بشود آن مکتب ایشان و حرف ایشان و مبنای ایشان. و همچنین دیگرانی که هستند [مثل] مرحوم آمیرزا ابوالحسن جلوه (رضوان الله علیه) ؛ ایشان حواشی زیادی بر اسفار دارد ؛ خیلی هم خوش‌خط بوده. میگویند ایشان نسخه‌های مختلف اسفار را که تدریس میکرد، هر نسخه‌ای که دستش بود، در هرجایی ایشان یک حاشیه‌ای همان‌جا مینوشت ؛ یکی از این نسخه‌های اسفار -که اسفاری است با حواشی دست‌نوشته‌ی مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه یا حاج میرزا ابوالحسن جلوه ؛ نمیدانم مکه هم رفته بوده یا نه- دست بنده افتاد و آن را اهدا کردم به کتابخانه‌ی مؤسّسه‌ی آقای مصباح که الان آنجا باید باشد و قاعدتاً هست. خب ایشان حرف دارد ؛ میدانید که میرزا ابوالحسن جلوه جزو منتقدین مّلاصدرا است یعنی جزو افرادی است که در بسیاری از مبانی مّلاصدرا ایشان حرف دارد، استدلال دارد، مثل خود آقا علی ؛ ایشان هم همین‌جور [است] ؛ خب ببینیم حرفهای ایشان چیست ؛ یک نفری استخراج کند این حرفها را، دربیاورد، مطرح کند. اینها به نظر من کارهای بسیار مهمّی است که زمین‌مانده است ؛ ما دیر به این فکر افتاده‌ایم و باید همه‌ی اینها را انجام بدهیم.

به‌هرحال دعوت جوانهای ما به علوم عقلی، بسیار مهم است ؛ توجّهِ حوزه‌ها به علوم عقلی و بخصوص فلسفه، خیلی مهم است. بعضی از آقایانِ بزرگوار و محترمی که خیلی مورد تکریم و احترام ما هستند، اشکال داشتند به اینکه درسهای فلسفه و عرفان و این حرفها در قم زیاد شده ؛ بنده به آن آقایان گفتم که اگر چنانچه فلسفه را شما از قم بردارید، کسانی در جاهای دیگر، متصدّی تبیین فلسفه و تدریس فلسفه میشوند که اهلیّت و صلاحیّت این کار را ندارند ؛ کمااینکه الان می‌بینیم بعضی از افرادی که در غیر قم به‌عنوان فلسفه‌دان شناخته میشوند و مطرح میشوند،

اطّلاعاتشان از فلسفه سطحی است ؛ نه اینکه اطلاع ندارند امّا اطّلاعاتشان عمیق نیست، سطحی است ؛ یک چیزی خوانده‌اند و یک اصطلاحی را بر زبان جاری میکنند ؛ خب این خوب نیست ؛ خوب است که در خود قم باشد، در حوزه‌ی علمیّه باشد. تهران هم همین‌جور ؛ حوزه‌ی علمیّه‌ی تهران هم که یک روزی مرکز علوم عقلی بوده، امروز اگر چنانچه تدریس فلسفه و تدریس علوم عقلی در آن رواج پیدا بکند، این به نظر ما یک چیز بسیار خوب و مفیدی خواهد بود ان‌شاءالله.

من اینجا اسم میرزا هاشم اشکوری را نگفتم ؛ (۱۴) یا مرحوم آسیّد کاظم عصّار ؛ [البتّه] اینها که بعضی در دانشگاه تدریس میکردند، بعضی بیرون تدریس میکردند، اینها متأخّرینند و شاگردهایشان هستند، [امّا] اینهایی که ما گفتیم، قبل از این نسل [هستند]. (۱۵) هرجا مکتب تهران گفته میشود، اینها را میخواهند بگویند، یعنی این آقایانِ پدر و پسر ؛ (۱۶) [البتّه] شما از مرحوم میرزا عبدالله زنوزی هیچ اسمی نیاوردید و توجّهی نکردید ؛ ایشان لابد آثاری باید داشته باشند و باید کارهای ایشان -مرحوم میرزا عبدالله زنوزی- مطرح بشود، [چون] آقا علی شاگردِ پدرش است ؛ این آقایان هستند که معروف به مکتب تهران هستند.

به‌هرحال ما از آقایان تشکر میکنیم، به‌خاطر این زحمتی که کشیدید و این کاری که شروع کردید، این معرّفی چهره‌های فلسفه. ان‌شاءالله که خداوند به وجود شماها برکت بدهد، و آقایان مدرّسین بزرگِ فلسفه در قم -که الحمدالله آدم میبیند برکات وجود آنها چقدر زیاد است- خداوند ان‌شاءالله تأییدشان کند، محفوظشان بدارد و برکاتشان را ادامه بدهد. و همچنین شما آقایانی که متصدّیِ این کارها هستید، ان‌شاءالله مشمول توفیقات الهی و تأییدات الهی و هدایت الهی ان‌شاءالله باشید. ان‌شاءالله موفّق باشید.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

۱) در ابتدای این دیدار -که در چهارچوب دیدارهای دسته‌جمعی برگزار شد- حجج اسلام غلامرضا فیّاضی (رئیس هیئت مدیره‌ی مجمع عالی حکمت اسلامی و رئیس همایش)، حسن معلّمی (دبیر مجمع عالی حکمت اسلامی و دبیر همایش)، محمّدباقر خراسانی (مدیر اجرائی مجمع عالی حکمت اسلامی و دبیر اجرائی همایش)، گزارشهایی ارائه کردند. همایش ملّی حکیم طهران به همّت مجمع عالی حکمت اسلامی و همکاری جمعی از دستگاه‌های علمی و فرهنگی و اجرائی کشور، در روزهای پنجم و ششم اردیبهشت سال جاری بترتیب در تهران و قم برگزار می‌شود.
۲) در پی دیدار جمعی از فضلای حوزه‌ی علمیّه‌ی قم با رهبر معظّم انقلاب اسلامی (۱۳۸۲/۱۰/۲۹) و تأکید معظّم‌ٌله بر تشکیل مجموعه‌ای برای رشد و ترویج و تعمیق جریان علوم عقلی در حوزه‌های علمیّه، مجمع عالی حکمت اسلامی از سال ۱۳۸۴ فعّالیّت خود را آغاز کرد و از فعّالیّتهای آن میتوان به تشکیل گروه‌های علمی، برگزاری نشست‌هایی برای ارائه‌ی مطالب نو و نقادی آنها، تجلیل و بزرگداشت بزرگان علوم عقلی و احیای آثار آنها اشاره کرد.
۳) علّامه سیّدمحمّدحسین طباطبائی
۴) آیت‌الله عبدالله جوادی‌آملی
۵) آیت‌الله محمّدتقی مصباح‌یزدی
۶) آیت‌الله جعفر سبحانی
۷) فیلسوف آلمانی
۸) در گزارش رئیس همایش به این مطلب اشاره شد که حضرات آیات جوادی‌آملی، مصباح‌یزدی و سبحانی سه ناظر عالی این مجمع هستند.
۹) حکیم ملّا محمّدعلی هیدجی

۱۰) میدان
۱۱) آیت‌الله میرزا محمّدعلی شاه‌آبادی
۱۲) بیانات در دیدار با دست‌اندرکاران برگزاری کنگره‌ی ملاصدرا (۱۳۸۰/۹/۸)
۱۳) آیت‌الله جوادی آملی
۱۴) حضّار به نام تعدادی دیگر از فلاسفه‌ی معاصر تهران از جمله مرحوم آسیّدکاظم عصّار اشاره کردند.
۱۵) حجّت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر صادقی‌رشاد (رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی): بعضی، از این افراد تعبیر به «مکتب تهران» میکنند.
۱۶) میرزا عبدالله و مّلاعلی زنوزی